

رابطه‌ی قدردانی با ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای جامعه‌گرا در دانشجویان دختر و پسر

اعظم فرح بیجاری*

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بود تا رابطه‌ی بین قدردانی با رفتارهای جامعه‌گرا و ویژگی‌های شخصیتی را در دانشجویان دختر و پسر بررسی و مقایسه کند. نوع پژوهش همبستگی و مقایسه‌ای بود. تعداد ۳۸۴ نفر (۲۲۲ دختر و ۱۶۲ پسر) از میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های قدردانی؛ فرم کوتاه شده‌ی آزمون قدردانی، نارضایتی، تقدیر، رفتارهای جامعه‌گرا و فرم کوتاه پرسشنامه‌ی پنج عاملی نئو را تکمیل کردند. یافته‌ها با استفاده از روش همبستگی و آزمون تی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که ابعاد قدردانی با رفتارهای جامعه‌گرا رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. از بین ابعاد شخصیت، روان‌آزرده‌خویی با کلیه‌ی ابعاد قدردانی رابطه‌ی مثبت و انعطاف‌پذیری با بعد قدردانی و تقدیر رابطه‌ی مثبت و معنادار و برون‌گرایی، با وجدان بودن و توافق‌پذیری با رفتارهای جامعه‌گرا رابطه‌ی منفی نشان دادند. همچنین در میان دانشجویان دختر و پسر در میزان قدردان بودن و ابعاد شخصیتی تفاوت وجود داشت. یافته‌های پژوهش حاضر از رابطه‌ی بین قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و بعضی از ابعاد شخصیتی حمایت کرد.

کلید واژه‌ها

قدردانی؛ رفتار جامعه‌گرا؛ ویژگی‌های شخصیتی؛ دانشجویان دختر؛ دانشجویان پسر

*استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

a.f.bidjari@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۹

مقدمه

روان‌شناسان علاوه بر تلاش برای کاهش علائم اختلال‌ها بر نیاز به ارتقای بهزیستی نیز تأکید کرده‌اند. تعدیل علائم اختلال‌ها مهم، ولیکن نبود علائم اختلال چیزی متفاوت از سلامت روان است (کی یاس^۱، ۲۰۰۷). رویکرد مرسوم و سنتی یعنی شناسایی و تشخیص آسیب و اصلاح آن در ایجاد یک «زندگی خوب» با محدودیت مواجه است (شلدون و کینگ^۲، ۲۰۰۱) بنابراین، روان‌شناسان باید با شناسایی و افزایش نقاط قوت انسان‌ها مانند قدردانی^۳، شیوه‌های موجود را تکمیل کنند.

قدردانی مفهومی است که عموم مردم را به سمت خود جذب می‌کند. این مفهوم به‌طور گسترده جذابیت و گیرایی دارد (بریث ناخ^۴، ۱۹۹۶؛ هی^۵، ۱۹۹۶، میلر^۶، ۱۹۹۵؛ ریان^۷، ۱۹۹۹؛ ترنر^۸، ۱۹۹۸؛ ون‌کام و موتو^۹، ۱۹۹۳). قدردانی یا به‌عنوان یک هیجان، خلق، نگرش، حسن اخلاقی، عادت، صفت شخصیتی یا به‌عنوان یک پاسخ به‌منظور سازگاری مفهوم‌سازی شده است. واژه قدردانی برگرفته از کلمه لاتین gratia به معنای شکر، لطف و محبت^{۱۰}، لطف، مهربانی و بزرگواری^{۱۱} یا سپاس‌گزاری^{۱۲} است. تمامی مشتقات این کلمه لاتین عبارت هستند از: مهربانی، سخاوت، اعطا کردن و بخشیدن (عطایا) زیبایی دادن و گرفتن یا دادن چیزی بدون چشم داشت دریافت (پروسر^{۱۳}، ۱۹۷۶). قدردانی معطوف به شخص دیگر است همان‌طور که می‌تواند معطوف به منابع غیر شخصی یا غیرانسانی (خدا، حیوانات، کائنات)

-
1. Kayas
 2. Sheldon&King
 3. Gratitude
 4. Breathnach
 5. Hey
 6. Miller
 7. Ryan
 8. Turner
 9. Vancom & Muto
 10. grace
 11. graciousness
 12. gratefulness
 13. Pruyser

باشد (سولومون^۱، ۱۹۷۷؛ تی‌جن^۲، ۱۹۹۷). قدردانی را می‌توان به‌عنوان «یک حس شکرگزار بودن و لذت ناشی از دریافت یک هدیه (موهبت) تعریف کرد که این هدیه (موهبت) می‌تواند یک هدیهٔ عینی (ملموس و مشهود) از طرف یک فرد دیگر باشد یا برخاسته از زیبایی و مواهب طبیعی باشد (آمونز و مک‌کولوف^۳، ۲۰۰۳).

آدام اسمیت نظریه‌ای (۱۹۷۶، ۱۷۹۰) تحت عنوان «عقاید اخلاقی» در زمینهٔ قدردانی، ارائه کرد، او عمیقاً تحت تأثیر نویسندگان مسیحی و جامعهٔ کاتولیک بود، اسمیت معتقد بود که هیجان‌های انسانی برای هدایت و راهنمایی افراد برای قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی به انسان‌ها خدمت‌رسانی می‌کنند. اسمیت، قدردانی را به‌عنوان اساسی و پایه‌ای‌ترین هیجان‌ات اجتماعی و یکی از برانگیزاننده‌های اولیهٔ رفتار خیرخواهانه از سوی فرد ذینفع به سوی فرد خیر مطرح کرده‌است.

چندین نظریه در قرن بیستم، نظریهٔ اولیه اسمیت را بسط و گسترش دادند. زیمل^۴ (۱۹۵۰) و گلدنر^۵ (۱۹۶۰) هر دو قدردانی را به‌عنوان یک عامل برای کمک به مردم در حفظ تعهدات متقابل آن‌ها، مفهوم سازی کرده‌اند. زیمل (۱۹۵۰) به‌عنوان «حافظهٔ اخلاقی بشریت» اشاره می‌کند. از آنجا که ساختارهای اجتماعی رسمی از جمله قانون و قراردادهای اجتماعی برای تنظیم و تضمین و محافظت از تمامی انواع روابط و تعاملات بین فردی ناکافی است، به‌اعتقاد زیمل، مردم اجتماعی شده‌اند تا قدردانی را به‌عنوان یک یادآوری‌کنندهٔ تعهدات و الزامات در روابط متقابل تجربه کنند. زیمل اظهار می‌کند که قدردانی یکی از هیجان‌های اخلاقی است که افراد را به جامعه به‌عنوان کل متصل می‌کند. شوارتز^۶ (۱۹۶۷) به‌میزان زیادی متأثر از زیمل (۱۹۵۰) بیان می‌کند که قدردانی نیرویی است که سبب می‌شود روابط اجتماعی جهت‌گیری سودمند اجتماعی^۷ را حفظ کند. تریورس^۸ (۱۹۷۱) به‌عنوان یک انطباق

-
1. Solomon
 2. Teigen
 3. Emmons & Mc Cullough
 4. Simmle
 5. Gouldner
 6. Schwartz
 7. prosocial orientation
 8. Trivers

تکاملی می‌نگریست که پاسخ‌های افراد را به اعمال نوع دوستانه تنظیم می‌کند. نظریه‌های شناختی - هیجان متعلق به نیمه دوم قرن بیستم دیدگاه آدام اسمیت (۱۹۷۰، ۱۹۷۰) و سایر نظریه‌پردازان را با قراردادن آن‌ها در متن و بافت نظریه‌هایی اصلاح کردند که شناخت‌ها را به‌عنوان علل پاسخ‌های هیجانی مردم به رویدادهای موجود در دنیای اجتماعی خود، متمایز کرده بودند. هایدل^۱، (۱۹۵۸) که بین فرایندهای شناختی با رفتار اجتماعی ارتباط برقرار کرده است، همسو با این نظریه کلی خود بیان کرده است که افراد زمانی احساس قدردانی می‌کنند که منفعتی را از شخصی دریافت می‌کنند که قصد منفعت‌رسانی به آن‌ها را داشته است. سایر نظریه‌های شناختی - هیجان مانند نظریه واینر^۲ (۱۹۸۵) به‌طور معمول بیان می‌کنند که هیجان‌ها دو نوع هستند: (۱) وابسته به نتیجه^۳؛ (۲) وابسته به اسناد^۴. هیجان‌هایی نظیر خشم و شادی تقریباً به‌طور انحصاری نشأت گرفته از ظرفیت پیامدهای تجربه افراد هستند. زمانی که افراد پیامدهای مطلوبی را تجربه کنند، احساس شادی می‌کنند؛ در زمان تجربه پیامدهای نامطلوب، احساس ناراحتی می‌کنند. از سوی دیگر، هیجان‌های وابسته به اسناد، نتیجه الگوهای به‌خصوصی از انتساب‌هایی هستند که افراد درباره علل شرایط مطلوب و نامطلوبی انجام می‌دهند که با آن‌ها مواجه می‌شوند. به اعتقاد واینر قدردانی یک هیجان اسناد وابسته است که از نسبت دادن شرایط مطلوب که فرد با آن‌ها مواجه شده است به کنش‌ها (اعمال) یا تلاش‌های فردی غیر از خود شخص ناشی است (مک‌کولوف^۵ و همکاران، ۲۰۰۱).

مفهوم‌سازی‌های متعدد از قدردانی، مذکور در فوق، می‌تواند در قالب نظریه‌ای واحد و منسجم در زمینه «قدردانی به‌عنوان یک عاطفه اخلاقی» درآیند. با ارجاع به قدردانی به‌عنوان یک عاطفه اخلاقی، منظور این نیست که هیجان‌ها و تظاهرات قدردانی به خودی خود اخلاقی هستند، بلکه منظور این است که قدردانی به‌طور معمول برخاسته و برانگیزاننده رفتار اخلاقی است و رفتار اخلاقی رفتاری است که به صورت درونی بدون توجه به شخص دیگر برانگیخته می‌شود.

-
1. Heider
 2. weiner
 3. outcome-dependent
 4. attribution-dependent
 5. McCullough

بر اساس پژوهش‌های جدید در مطالعهٔ قدردانی دو نظریه وجود دارد. نظریهٔ اول قدردانی را به‌عنوان یک هیجان اخلاقی^۱ با سه کارکرد حیاتی (مهم) معرفی می‌کند. (مک‌کولوف و همکاران، ۲۰۰۱). قدردانی به‌عنوان یک شاخص اخلاقی، به فرد ذینفع علامت می‌دهد که یک فرد خیر به او عطا کرده است. قدردانی به‌عنوان یک انگیزهٔ اخلاقی، در فرد ذینفع رغبت و تمایلی را به انجام‌دادن رفتار سودمند اجتماعی^۲، چه در حق فرد نیکوکار و چه در حق سایر افراد، ایجاد می‌کند. سرانجام، قدردانی به‌عنوان یک تقویت‌کنندهٔ اخلاقی است که این احتمال را افزایش می‌دهد که فرد خیر در آینده نیز باز در حق فرد ذینفع، رفتار سودمند اجتماعی از خود نشان دهد. برطبق این مفهوم‌سازی، با تجربهٔ قدردانی، یک فرد به انجام‌دادن رفتار سودمند اجتماعی و همچنین به ادامه دادن چنین رفتارهای اخلاقی (تداوم رفتار) ترغیب می‌شود و از انجام‌دادن رفتارهای بین فردی مخرب و آسیب رساندن به دیگران اجتناب می‌کند.

نظریهٔ دوم از فردریکسون^۳ (۲۰۰۱، ۲۰۰۴) تحت عنوان نظریهٔ گسترش و ایجاد هیجان‌های مثبت است. هیجان‌های منفی کوتاه‌بینی و محدود شدن دامنهٔ رفتاری مثبت را باعث می‌شوند. گرچه هیجان‌های مثبت، تمایلات رفتاری غیر ویژه و رای رفتار جسمانی به بار می‌آورد. نظریهٔ فردریکسون بیان می‌کند که هیجان‌های مثبت مجموعه منابع فکر-عمل گسترده‌ای را به وجود می‌آورند که در نهایت باعث ایجاد منابع بادوام جسمانی، عقلانی و اجتماعی می‌شوند.

نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران متعددی نیز مانند لازاروس و لازاروس^۴، (۱۹۹۴) اشاره کرده‌اند که قدردانی به‌طور معمول از یک ظرفیت هیجانی مثبت بهره‌مند است و یک هیجان نسبتاً مطلوب و خوشایند و فعال‌کننده است. پژوهش والکر و پیتز^۵، (۱۹۹۸) نشان داده است که قدردانی یک حالت هیجانی مطلوب است و با هیجان‌ات مثبتی از قبیل رضایت و خشنودی خاطر، شادی، غرور و امیدواری مرتبط است (مک‌کولوف و همکاران، ۲۰۰۱).

گالوپ^۶ در زمینه‌یابی (۱۹۹۸)، که در میان نوجوانان و بزرگسالان آمریکایی انجام داده بود،

-
1. Moral emotion
 2. prosocial behavior
 3. Fredrickson
 4. Lazarus
 5. Walker&Pitts
 6. Gallup

بیش از ۹۰٪ از شرکت کنندگان، اشاره کردند که قدردانی کردن به آن‌ها کمک کرد تا «بی‌نهایت یا تا حدودی احساس شادی» کنند. مک‌کولوف و همکارانش (۲۰۰۲) دریافتند که میل و گرایش به قدردانی با صفاتی چون عاطفه مثبت، سرزندگی (نشاط) خوش‌بینی رابطه مثبت و با رشک و حسد، افسردگی و اضطراب ارتباط منفی دارد. همچنین مایر^۱ و همکاران (۱۹۹۱) عقیده دارند قدردانی هیجانی، بر طبق مشاهدات، با عواطف مثبت مرتبط است (آموزن و مک‌کولوف^۲، ۲۰۰۳).

کانون^۳ (۲۰۰۲) مطالعه‌ای کیفی در میان زنده ماندگان زمین لرزه لوماپریتا^۴ (۱۹۸۹) انجام داد و به این نتیجه رسید که آن‌ها قدردانی زیادی را گزارش کردند. رایان^۵ (۲۰۰۶) بیان می‌کند که قدردانی، حتی در بدترین لحظه‌ها، در متعالی کردن فرد و تمرکز او بر چیزهایی که هنوز در زندگی لذت‌آور است و می‌توان از آن بهره‌مند شد قدرت شگفت‌انگیزی دارد. آموزن و کرمپلر^۶ (۲۰۰۰) همچنین بیان کردند که قدردانی به‌عنوان حالت هیجانی مثبت مقاومت و تحمل او را در زندگی افزایش داده به بهزیستی او کمک می‌کند (کشدن^۷ و همکاران، ۲۰۰۹).

هیجان حاصل از قدردانی نیز ممکن است ارزش‌انگیزی داشته باشد؛ یعنی سبب شود افراد قدردان برانگیخته شوند که خودشان نیز اعمال سودمند اجتماعی انجام دهند. از این نظر، قدردانی احتمالاً می‌تواند یکی از مکانیزهای زیر بنایی و انگیزی در نوع دوستی متقابل باشد یعنی فرد هم از دیگری منفعت دریافت کند و هم به دیگری منفعت برساند (تریورس^۸، ۱۹۷۱).

پژوهش تجربی مک‌کولوف و همکاران (۲۰۰۱) نشان داده است که قدردانی رفتار سودمند اجتماعی را باعث می‌شود و کارکرد خود را به صورت یک انگیزه اخلاقی بروز می‌دهد. قدردانی، اغلب یک رابطه متقابل ایجاد می‌کند که این به سوق دادن افراد به پاسخ دادن به

-
1. Mayer
 2. Emmons
 3. Canoon
 4. Loma prieta
 5. Rayan
 6. Amons&Crumpler
 7. Kashdan
 8. Trivers

صورت سودمند اجتماعی به فرد خیر منجر می‌شود و قدردانی می‌تواند باعث شود که فرد ذینفع نه تنها به فرد خیر متقابلاً رفتار سودمند اجتماعی ابراز کند، بلکه چنین رفتاری را نسبت به سایر افراد نیز داشته باشد (بارتلت و دستنو^۱، ۲۰۰۶؛ تسانگ، ۲۰۰۶^۲ و تسانگ، ۲۰۰۷). افراد قدردان احتمالاً برای ابراز قدردانی خود رفتار سودمند اجتماعی ابراز می‌کنند و با گذشت زمان این رفتارهای سودمند اجتماعی می‌توانند باعث افزایش و ارتقای روابط اجتماعی فرد شوند (آموز و شلتون^۳، ۲۰۰۲؛ هارفم^۴، ۲۰۰۴؛ کمتر^۵، ۲۰۰۴). به علاوه، قدردانی به ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی کمک می‌کند (دون و شوایتزر^۶، ۲۰۰۵) (فروه^۷ و همکاران، ۲۰۰۹). گالوپ (۱۹۹۸) معتقد است زمانی که فرد ذینفع قدردانی خود را چه به صورت گفتن «متشکرم» یا سایر روش‌های قدردانی ابراز می‌دارد فرد خیر به خاطر کار خیر خواهانهٔ خود تقویت می‌شود. به این دلیل فرد خیر تمایل پیدا می‌کند که در آینده بیشتر چنین اعمال خیر خواهانه‌ای انجام دهد همچنین مشاهده می‌شود که برخی افراد قدردان در نتیجهٔ قدردانی خود تا حدودی برانگیخته می‌شوند که خودشان اعمال سودمند اجتماعی انجام دهند (آموز و مک‌کولوف، ۲۰۰۳). دو مطالعهٔ گراهام^۸ (۱۹۸۸)، پترسون و استوارت^۹ (۱۹۹۶) بیان کنندهٔ آن بود که افرادی که در نتیجهٔ دریافت منفعت قدردان شده بودند، در تعاملات بعدی خود نسبت به فردی که به آن‌ها منفعت رسانده و سایر افراد-که منفعت نرسانده‌اند- به رفتار کردن به شیوهٔ سودمند اجتماعی تمایل بیشتری دارند (آموز و مک‌کولوف، ۲۰۰۳). قدردانی رفتارهای جامعه‌گرا را افزایش می‌دهد (بارتلت و دستنو^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ فروه و یوروکوویز^{۱۱}، ۲۰۰۷؛ تسانگ، ۲۰۰۶، کوباکا^{۱۲}، ۲۰۱۱). نظریهٔ اسمیت (۱۷۹۰، ۱۹۷۶) بیان

-
1. Bartlett & Desteno
 2. Tsang
 3. Shelton
 4. Harpham
 5. Kamter
 6. Dunn & Schweitzer
 7. Froh
 8. Graham
 9. Peterson & Steward
 10. Bartlett&Desteno
 11. Froh&Yurkewicz
 12. Kubacka

می‌دارد که برخی افراد به‌ویژه آن‌هایی که آمادگی استعداد و گرایش فطری شخصیتی برای انجام‌دادن رفتارهای سودمند اجتماعی دارند نسبت به سایر افراد احتمالاً بیشتر احساس و ابراز قدردانی می‌کنند. افراد دارای گرایش و صفت شخصیتی قدردان بیشتر از صفاتی بهره‌مند هستند که موفقیت افراد در روابط میان فردی را سبب می‌شوند (نیتو^۱، ۲۰۰۷، فروه و همکاران، ۲۰۰۹).

افراد با قدردانی بالا باید در همدلی با دیگران و قرار دادن خود به‌جای دیگران نیز قوی‌تر از سایر افراد باشند (لازاروس و لازاروس، ۱۹۹۴). در طبقه‌بندی پنج‌عاملی نئو، انتظار می‌رود افراد قدردان در پرسشنامه شخصیتی ۵ عامل بزرگ (۱- برون‌گرایی؛ ۲- انعطاف‌پذیری؛ ۳- توافق‌پذیری؛ ۴- با وجدان بودن؛ ۵- روان‌رنجوری و زیر مؤلفه‌های آن) بالا باشند (کوستا و مک‌کری^۲، ۱۹۹۲). بلعکس افراد قدردان در صفاتی چون خود شیفتگی^۳ بایستی نمره بسیار پایین بیاورند چرا که چنین صفاتی با رفتار اخلاقی و حفظ روابط بین فردی مغایرت دارند. گلدبرگ و سوسیر^۴ (۱۹۹۸) مشاهده کردند که درجه‌بندی‌های حق‌شناسی و امتنان با انعطاف‌پذیری^۵ همبستگی منفی داشت. افرادی دارای قدردانی بالا تمایل دارند که به‌عنوان افرادی با انعطاف‌پذیری پایین نسبت به تجربه (چه توسط خودشان و چه دیگران) درجه‌بندی شوند. در حالی که مقبولیت با قدردانی رابطه مثبت دارد، سایر صفات (از ۵ عامل بزرگ) احتمالاً باعث بازداری از قدردانی می‌شوند. افراد ناسپاس، معمولاً به منفعت‌هایی که دیگران به آن‌ها می‌رسانند با حالت دلخوری، خصومت و بی‌تفاوتی، پاسخ می‌دهند، روان‌شناسان افراد ناسپاس را به‌عنوان افراد دارای صفات شخصیتی خود شیفته، مطرح می‌کنند. خود شیفتگی در برگیرنده مجموعه‌ای از صفات شامل خود پسندی افراطی، نخوت، خودپسندی، غرور، حرص و ولع برای تحسین و تمجید شدن، و حق به جانب یا مستحق بودن (استحقاق چیزی را داشتن) است (کرنبرگ^۶، ۱۹۷۵). افراد خودشیفته معتقدند که مستحق حقوق ویژه و موهبت

-
1. Neto
 2. costa&mccrae
 3. narcissism
 4. Saucier
 5. Openness
 6. Kernberg

هستند (صرف‌نظر از اینکه واقعاً استحقاق آن را دارند یا خیر) (مک‌کولوف و همکاران، ۲۰۰۱). بر پایهٔ مشاهدات بالینی، لپندرف و مک ویلیام^۱، (۱۹۹۰) بیان می‌دارند که افراد خودشیفته به تجربهٔ ابراز قدردانی نسبت به دیگران- افراد خیر- قادر نیستند. افراد خودشیفته در چنین موقعیت‌هایی به جای احساس یا ابراز قدردانی برای پاسخ دادن به افرادی که به آن‌ها کمک کرده‌اند از روش‌های دیگری استفاده می‌کنند از جمله: الف) ابراز تأیید - فرد خیر، ب) تظاهر به بی‌تفاوتی، ج) انکار اینکه او سزاوار چنین منفعتی است، د) ابراز قدردانی بیش از حد مبالغه‌آمیز (افراطی) که فرد خیر نمی‌تواند آن را به عنوان یک قدردانی صادقانه بدانند (مک‌کولوف و همکاران، ۲۰۰۱).

گرچه قدردانی با پیامدهای روان‌شناختی مثبت در ارتباط است، لیکن می‌تواند هیجانی باشد که مردان بخواهند از تجربه و ابراز آن، به دلیل ارتباط آن با هیجان‌های منفی و شناخت‌ها، اجتناب کنند (نیتو^۲، ۲۰۰۵). مردها عموماً تمایل دارند هیجان‌هایی را ابراز کنند که با قدرت^۳ و موقعیت^۴ مرتبط هستند (برودی^۵، ۱۹۹۷، ۱۹۹۷) و به همین دلیل، از آنجا که قدردانی، مدیون بودن و وابستگی به نوعی با یکدیگر مرتبط هستند (سولومون^۶، ۱۹۹۵، و تکینز^۷ و همکاران، ۲۰۰۶) در نتیجه افراد ممکن است تجربه یا ابراز قدردانی را دال بر ضعف تلقی کرده و در نتیجه آن را عامل تهدید کنندهٔ مردانگی خود و عاملی بنگرند که به موقعیت اجتماعی آن‌ها آسیب می‌رساند. از این جهت حمایت از خود در برابر هرگونه هیجان‌های منفی یا پیامدهای اجتماعی - نامطلوب - مرتبط با قدردانی احتمالاً باعث اجتناب مردها از تجربه و ابراز قدردانی می‌شود (فروه و همکاران، ۲۰۰۹).

زنان در مقایسه با مردان به نظر می‌رسد بیشتر تمایل به تجربه و ابراز قدردانی دارند (گوردون^۸ و همکاران، ۲۰۰۴) و از قدردانی منفعت و بهرهٔ بیشتری می‌برند (کشدن و

-
1. Lependorf& Mcwilliams
 2. Naito
 3. power
 4. status
 5. Brody
 6. Solomon
 7. Watkins
 8. Gordon

همکاران، ۲۰۰۹).

در کل قدردانی به‌عنوان یک هیجان و صفت مثبت و با توجه به نقش آن در سلامت روان مسلماً مستحق توجه بیشتر تجربی و نظری است. قدردانی به‌طور کامل یک هیجان غیر متداول نیست. سومرز و کومیتزکی^۱ (۱۹۹۸) در یک مطالعه در میان نمونه‌ای از ۱۰۵ بزرگسال آمریکایی و ۴۰ بزرگسال آلمانی تقریباً ۱۰٪ (آمریکایی‌ها) و ۳۰٪ (آلمانی‌ها) بیان کردند که هیجان قدردانی را به صورت «معمول و اغلب» تجربه کرده‌اند. به علاوه، تقریباً ۲۰٪ (آمریکایی‌ها) و ۵۰٪ (آلمانی‌ها) قدردانی را به‌عنوان یک هیجان مفید و سازنده مطرح کردند. با توجه به موارد ذکر شده آیا در جامعه ما نیز قدردانی به‌عنوان یک گرایش و یک صفت با انجام دادن رفتارهای جامعه‌گرا همراه است؟ آیا قدردانی افراد را بر می‌انگیزد تا خود به اعمال سودمند اجتماعی مبادرت ورزند؟ و به انجام دادن رفتار سودمند اجتماعی، ترغیب شوند؟ آیا افراد قدردان ویژگی‌های شخصیتی خاصی دارند؟ تفاوت‌های فردی در قدردانی با تفاوت‌های فردی در عوامل شخصیتی که به‌طور معمول با سودمندی اجتماعی^۲، به‌ویژه مقبولیت بالا و خود شیفتگی پایین مرتبط است. اشاره به این نکته ارزشمند است که در ایران پژوهشی درباره‌ی قدردانی انجام نشده است (یکی از این پژوهش‌ها سنجش قدردانی در دانشجویان و طلاب است که آقابابایی آن را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که نمره‌های طلاب در قدردانی به‌طور معناداری بالاتر از نمره‌ی دانشجویان است) و نه تنها در ایران، بلکه در سایر پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور نیز این ترکیب متغیرها با هم مطالعه نشده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای رابطه‌ی بین قدردانی، ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای جامعه‌گرا در دو جنس دختر و پسر است. همان‌گونه که مک‌کولوف و همکاران (۲۰۰۲) اظهار کرده‌اند، پژوهش درباره‌ی قدردانی حوزه‌ی جدیدی است و یافته‌های این مقاله می‌تواند به رشد شناخت ما در حوزه‌ی روان‌شناسی مثبت‌نگر کمک کند.

فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

فرضیه ۱- قدردانی به‌طور مثبتی با رفتارهای جامعه‌گرا و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان دختر و پسر مرتبط است.

-
1. Sommers & Kosmitzki
 2. prosociality

فرضیه ۲- تفاوت‌های جنسیتی در قدردانی و ابراز قدردانی و بهره‌مندی از سودمندی‌های آن وجود دارد.

روش

طرح استفاده شده در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های شهر تهران بودند که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تحصیل اشتغال داشتند. روش نمونه‌گیری پژوهش، تصادفی خوشه‌ای بود. اطلاعات مربوط به تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از وزارت علوم اخذ شد. با جایگزینی تعداد دانشجویان دختر و پسر به صورت جدا در فرمول کوکران (۱۳۲۷۰۰ دختر و ۱۰۰۱۶۲ پسر) و با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰/۰۵، حجم نمونه ۳۸۴ نفر (۲۲۲ دختر و ۱۶۲ پسر) به دست آمد. با در نظر گرفتن موارد پرت پرسشنامه‌ها به ۴۲۰ نفر دانشجوی دختر و پسر (۲۳۹ دختر و ۱۸۱ پسر) شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های شاهد، شهید بهشتی، خواجه نصیر طوسی، علامه طباطبایی، الزهراء، علم و صنعت و دانشگاه جامع علمی کاربردی داده شد. پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، در نهایت ۳۸۴ نفر (۲۲۲ دختر و ۱۶۲ پسر) وارد پژوهش شدند.

ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه‌های قدردانی، فرم کوتاه شدهٔ آزمون قدردانی، نارضایتی، تقدیر، رفتارهای سودمند اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی بود. همچنین در ابتدای این پرسشنامه‌ها دربارهٔ اطلاعاتی شامل سن، وضعیت تأهل، رشتهٔ تحصیلی، مقطع تحصیلی و... سؤال شد.

۱- پرسشنامهٔ قدردانی^۱: پرسشنامهٔ قدردانی آزمونی است که در سال ۲۰۰۱، مک کولوف و همکارانش آن را ساخته‌اند که قدردانی‌گرایی^۲ را می‌سنجد. GQ6 یک مقیاس ۶ عاملی است که تمایل به قدردانی را ارزیابی می‌کند. پاسخ دهندگان این عوامل را با استفاده از یک مقیاس لیکرت که از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) درجه‌بندی می‌کنند. ۲ عامل در این آزمون دارای نمره‌های معکوس هستند تا کجی (انحراف) پاسخ را محاسبه کنند. اعتبار درونی

1. Gratitude questionnaire (GQ6)
2. dispositional gratitude

GQ6 از ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ متغیر است. این اندازه‌گیری در طول هر دو پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه شده است. در ایران، آلفای کرونباخ این پرسشنامه از ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ گزارش شده است (آقابابایی و همکاران، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر، پایایی این آزمون ۰/۷۳ به‌دست آمد.

۲- فرم کوتاه شده آزمون قدردانی، نارضایتی، تقدیر^۱: این آزمون سنجش ۱۶ عاملی از صفت قدرشناسی است. فرم کوتاه شده آزمون قدردانی دارای ۳ خرده‌مقیاس است: احساس وفور و فراوانی^۲، تقدیر ساده^۳ و تقدیر از دیگران^۴. پاسخ‌دهندگان این عوامل را بر مبنای مقیاسی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۴ (کاملاً موافق) درجه‌بندی می‌کنند. این مقیاس دارای اعتبار درونی معقول و ثبات درونی است. (توماس و وتکینز، ۲۰۰۳). بیجاری این پرسشنامه را برای اولین بار در ایران ترجمه و از آن استفاده کرده است. در مطالعه‌ی مقدماتی انجام شده در میان گروهی از دانشجویان تهرانی پایایی آن با روش بازآزمایی برای خرده‌آزمون‌ها به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۶، ۰/۶۵ و برای کل آزمون ۰/۸۱ بود.

۳- مقیاس رفتارهای جامعه‌گرا در بزرگسالی: مقیاس رفتارهای جامعه‌گرا در بزرگسالی (کپرا^۵ و همکاران، ۲۰۰۵) یک مقیاس ۱۶ عاملی است که رفتارها و احساسات افراد را در ارتباط با مشارکت کردن با دیگران، کمک به آن‌ها، مواظبت کردن از دیگران، احساس همدردی کردن با دیگران و احتیاج و درخواست را منعکس می‌کند. هر عامل به صورت رمزی بر عامل پاسخ‌دهی مقیاس که از درجه ۱ (هیچ وقت) تا درجه ۵ (تقریباً همیشه) هستند در آمده است. بیجاری این پرسشنامه را برای اولین بار در ایران ترجمه و از آن استفاده کرده است. بر اساس مطالعه‌ی مقدماتی انجام شده در میان گروهی از دانشجویان تهرانی این مقیاس دارای اعتبار ۰/۹۱ برای تمامی جنبه‌ها است و همبستگی کلیه عوامل در حدود ۰/۵۹ است. همچنین پایایی آن ۰/۹۱ به‌دست آمد.

۴- پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو^۶: در سال ۱۹۸۵، کاستا و مک کری^۷ این پرسشنامه را تهیه

-
1. Gratitude, Resentment & Appreciation Test (GRAT)
 2. Sense of Abundance
 3. Simple Appreciation
 4. Appreciation for Others
 5. Caprara
 6. NEO Personality Inventory (NEO PI – R)
 7. Costa & McCrae

کردند. این پرسشنامه فرم کوتاهی نیز به نام (NEO-FFI) دارد که یک پرسشنامهٔ ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. در هنجاریابی فرم کوتاه آزمون NEO که گروسی فرشی (۱۳۸۰) در نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از میان دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر انجام داد؛ ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ در هر یک از عوامل اصلی روان آزرده‌خویی^۱، برون‌گرایی^۲، انعطاف‌پذیری^۳، توافق‌پذیری^۴ با وجدان بودن^۵ به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به دست آمد. در مطالعه حاضر میزان آلفای کرونباخ برای روان آزرده‌خویی ۰/۸۲، برون‌گرایی ۰/۷۵، انعطاف‌پذیری ۰/۶۳، با وجدان بودن ۰/۵۵ و توافق‌پذیری ۰/۸۱ به دست آمده است. فرم تجدید نظر شدهٔ پرسشنامهٔ شخصیتی نئو مناسب افرادی است که ۱۷ سال یا بیشتر دارند.

روش اجرا برای همه افراد نمونه یکسان بود، به این صورت که پس از موافقت فرد و دادن توضیحات لازم دربارهٔ چگونگی تکمیل کردن پرسشنامه‌ها، پرسشنامه‌های مذکور در اختیار دانشجویان قرار داده شد. محدودیت زمانی برای اجرای پرسشنامه‌ها اعمال نشد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قسمت یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است.

یافته‌های توصیفی

در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار و خطای استاندارد متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

-
1. Neuroticism
 2. Extraversion
 3. Openness
 4. Agreeableness
 5. Conscientiousness

جدول ۱: توصیف متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در دانشجویان دختر و پسر

متغیرها	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
قدردانی	دختر	۲۲/۶۴	۳/۹۷	۰/۲۷
	پسر	۲۱/۷۱	۳۵/۵	۰/۳۴
قدردانی، نارضایتی، تقدیر	دختر	۱۰/۶۱	۱۸/۳۵	۱/۲۳
	پسر	۹۶/۲۸	۱۸/۳۵	۱/۳۵
احساس وفور و فراوانی	دختر	۲۷/۱۸	۶/۰۵	۰/۴۱
	پسر	۲۶/۲۴	۵/۵۶	۰/۴۴
تقدیر ساده	دختر	۴۳/۱۳	۸/۱۳	۰/۵۵
	پسر	۳۸/۴۰	۸/۷۸	۰/۶۹
تقدیر از دیگران	دختر	۳۱/۳۰	۹/۴۰	۰/۶۳
	پسر	۳۱/۷۴	۷/۶۳	۰/۶۰
رفتارهای جامعه‌گرا	دختر	۵۰/۸۰	۱۱/۰۷	۰/۷۴
	پسر	۵۰/۴۹	۱۰/۰۷	۰/۷۹
ابعاد شخصیت				
روان‌رنجورخویی	دختر	۲۲/۳۳	۷/۷۱	۰/۵۲
	پسر	۲۳/۵۴	۷/۲۷	۰/۵۷
برون‌گرایی	دختر	۲۰/۷۶	۶/۹۳	۰/۴۷
	پسر	۲۲/۲۶	۷/۶۰	۰/۶۰
انعطاف‌پذیری	دختر	۲۰/۲۳	۶/۳۶	۰/۴۳
	پسر	۲۲/۲۶	۶/۴۷	۰/۵۱
توافق‌پذیری	دختر	۲۱/۰۸	۵/۳۳	۰/۳۶
	پسر	۲۲/۹۶	۵/۳۱	۰/۴۲
باوجدان بودن	دختر	۱۹/۳۴	۸/۱۲	۰/۵۴
	پسر	۲۱/۷۷	۹/۱۹	۰/۷۲

مندرجات جدول ۱ میانگین و انحراف معیار و خطای استاندارد خرده مقیاس‌های متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در گروه دانشجویان دختر، در بین ابعاد قدردانی، تقدیر ساده بیشترین میانگین (۴۳/۱۳) و قدردانی به‌طور کلی کمترین میانگین (۲۲/۶۴) را دارا هستند. در گروه دانشجویان پسر، در بین ابعاد قدردانی، تقدیر ساده بیشترین میانگین (۳۸/۴۰) و قدردانی به‌طور کلی کمترین میانگین (۲۱/۷۱) را دارا هستند. دختران در بین خرده مقیاس‌های قدردانی میانگین بالاتری نسبت به پسران دارند. میانگین رفتارهای جامعه‌گرا در دو گروه تقریباً یکسان است (دختران، ۵۰/۸۰ و پسران ۴۹/۵۰). دربارهٔ ابعاد شخصیت، در گروه دانشجویان دختر، بالاترین میانگین مربوط به

خرده مقیاس روان رنجورخویی (۲۲/۳۳) و پایین‌ترین میانگین مربوط به خرده مقیاس با وجدان بودن (۱۹/۳۴) است. در گروه دانشجویان پسر، بالاترین میانگین مربوط به خرده مقیاس روان رنجورخویی (۲۳/۵۴) و پایین‌ترین میانگین مربوط به خرده مقیاس با وجدان بودن (۲۱/۷۷) است.

در گروه دانشجویان دختر، در بین ابعاد قدردانی، تقدیر از دیگران بیشترین انحراف استاندارد (۹/۴۰) و قدردانی به‌طور کلی کمترین انحراف استاندارد (۳/۹۷) را دارند. یعنی اینکه در خرده مقیاس تقدیر از دیگران توزیع نمره‌ها نسبت به میانگین پراکندگی زیادی داشته است. در گروه دانشجویان پسر، در بین ابعاد قدردانی، تقدیر ساده بیشترین انحراف استاندارد (۸/۷۸) و قدردانی به‌طور کلی کمترین انحراف استاندارد (۵/۳۵) را دارا هستند. یعنی اینکه در خرده مقیاس قدردانی به‌طور کلی توزیع نمره‌ها نسبت به میانگین پراکندگی زیادی داشته است.

یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

فرضیه ۱- قدردانی به‌طور مثبتی با رفتارهای جامعه‌گرا و ویژگی‌های شخصیتی در دانشجویان دختر و پسر مرتبط است.

برای آزمون این فرضیه از روش آماری همبستگی استفاده شد. قبل از انجام دادن این کار برای تعیین اینکه رابطهٔ بین دو متغیر (به صورت خطی است یا خیر) و نهایتاً تصمیم‌گیری دربارهٔ اینکه از کدام یک از روش‌های همبستگی استفاده کنیم رابطهٔ دو به دو کلیهٔ متغیرها از

طریق روش آنوا بررسی شد.

جدول ۲: آزمون خطی بودن رابطه بین قدردانی و احساس وفور و فراوانی

شاخص‌های آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت	احتمال T
مقایسه واریانس	F				
قدردانی و احساس وفور و فراوانی	۱۰۷/۸۱	۱	۱۰۷/۸۱	۶/۶۳	۰/۰۱۰

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ با توجه به مقدار $F(۱/۰۱) < P$ با $F(۶۲/۶۶)$ بین دو متغیر قدردانی و احساس وفور و فراوانی رابطه خطی وجود ندارد. در جدول ۲ نمونه‌ای از انجام دادن این کار ارائه شده است. رابطه کلیه متغیرها بدین شکل بررسی شد. در صورت خطی بودن رابطه از روش همبستگی پیرسون و در صورت خطی نبودن رابطه از روش همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای متغیرهای رفتاری، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در دانشجویان دختر و پسر.

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	
۱. قدرتانی	-											
۲. قدرتانی، نارضایتی، تقدیر	۰/۶۳۷**	-										
۳. احساس وفور و فراوانی	۰/۵۳۷**	۰/۵۹۴**	-									
۴. تقدیر ساده	۰/۴۹۲**	۰/۳۶۸**	۰/۲۷۸**	-								
۵. تقدیر از دیگران	۰/۷۰۳**	۰/۷۸۸**	۰/۸۰۹**	۰/۷۳۵**	-							
۶. رفتارهای جامعه‌گرا	۰/۲۶۰**	۰/۱۹۹**	۰/۱۹۷**	۰/۰۴۰	۰/۱۷۹**	-						
۷. درون رنجور خوینی	۰/۱۵۴**	۰/۰/۸۸	۰/۱۵۹**	۰/۲۷۹**	۰/۲۴۱**	۰/۰۲۳	-					
۸. بیرون‌گرایی	۰/۰/۱۰۱*	۰/۰/۰۹۸	۰/۰/۱۹۴**	۰/۰/۰۹۹	۰/۰/۱۷۳**	۰/۰/۷۳	۰/۰/۳۶۱**	-				
۹. انعطاف‌پذیری	۰/۰/۱۳۸*	۰/۰/۴۵**	۰/۰/۲۵۷**	۰/۰/۱۵۷**	۰/۰/۲۶۷**	۰/۰/۱۱۷*	۰/۰/۱۰۵*	۰/۰/۶۱۹**	-			
۱۰. توافق‌پذیری	۰/۰/۱۱۹*	۰/۰/۱۲۴*	۰/۰/۱۶۶**	۰/۰/۱۰۰*	۰/۰/۱۵۷**	۰/۰/۰۵۵	۰/۰/۱۱۳*	۰/۰/۴۳۶**	۰/۰/۶۳۶**	-		
۱۱. باوجدان بودن	۰/۰/۱۲۷*	۰/۰/۱۲۰*	۰/۰/۱۵۴**	۰/۰/۱۰۱*	۰/۰/۱۶۲**	۰/۰/۰۳۶	۰/۰/۲۱۹**	۰/۰/۶۵۸	۰/۰/۶۴۴**	۰/۰/۵۲۶**	-	

*P< ۰/۰۵ **P<۰/۰۱

ضرایب همبستگی بین متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در دانشجویان دختر و پسر در جدول ۳ ارائه شده است. کلیه ابعاد قدردانی با نمره کل و خرده مقیاس‌های پرسشنامه دیگر قدردانی تنفر و تقدیر با یکدیگر رابطه مثبت دارند. قدردانی با نمره کل پرسشنامه قدردانی، نارضایتی، تقدیر ($r=0/637$) رابطه مثبت دارد. همچنین با خرده مقیاس‌های آن که شامل احساس وفور و فراوانی ($r=0/537$) تقدیر ساده ($r=0/492$) و تقدیر از دیگران در سطح ($r=0/703$) $r=0/99$ رابطه مثبت دارد.

از بین ابعاد قدردانی، قدردانی ($r=0/260$) قدردانی، نارضایتی، تقدیر ($r=0/199$) احساس وفور و فراوانی ($r=0/197$) تقدیر از دیگران ($r=0/179$) به طور مثبت با رفتار جامعه‌گرا رابطه داشت.

از بین ابعاد قدردانی، قدردانی ($r=0/260$) نمره کل در قدردانی، قدردانی، تنفر، تقدیر ($r=0/199$) احساس وفور و فراوانی ($r=0/197$) و تقدیر از دیگران ($r=0/179$) به طور مثبت با رفتارهای جامعه‌گرا رابطه دارند.

از بین ابعاد شخصیت، روان رنجورخویی ($r=0/154$) به طور مثبت با قدردانی رابطه دارد و برون‌گرایی ($r=-0/101$) انعطاف‌پذیری ($r=-0/138$) توافق‌پذیری ($r=0/119$) با وجدان بودن ($r=0/127$) با قدر دانی رابطه منفی دارند. انعطاف‌پذیری ($r=0/145$) به طور مثبت و توافق‌پذیری ($r=-0/124$) و با وجدان بودن ($r=0/120$) به طور منفی با نمره کل در پرسشنامه قدردانی، تنفر، تقدیر رابطه دارند. روان رنجورخویی ($r=0/59$) به طور مثبت و برون‌گرایی ($r=-0/194$) انعطاف‌پذیری ($r=0/257$) توافق‌پذیری ($r=-0/166$) و با وجدان بودن ($r=-0/154$) به طور منفی با احساس وفور و فراوانی رابطه دارند. روان رنجورخویی ($r=0/279$) به طور مثبت و برون‌گرایی ($r=-0/099$) انعطاف‌پذیری ($r=-0/157$) توافق‌پذیری ($r=-0/100$) و با وجدان بودن ($r=0/101$) به طور منفی با تقدیر ساده رابطه دارند. روان رنجورخویی ($r=0/241$) به طور مثبت و برون‌گرایی ($r=-0/172$) انعطاف‌پذیری ($r=-0/247$) توافق‌پذیری ($r=-0/157$) و با وجدان بودن ($r=-0/162$) به طور منفی با تقدیر از دیگران رابطه دارند.

از بین ابعاد شخصیت، انعطاف‌پذیری ($r=-0/117$) رابطه‌ای منفی با رفتار جامعه‌گرا نشان دادند.

فرضیهٔ ۲: تفاوت‌های جنسیتی در قدردانی و ابراز قدردانی و بهره‌مندی از سودمندی‌های آن وجود دارد.

قبل از ارائهٔ نتایج آزمون T گروه‌های مستقل برای هر یک از متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت، نتایج آزمون همگنی واریانس‌ها برای متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون F لوین برای همگنی واریانس‌ها در متغیرهای قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در میان دانشجویان دختر و پسر

سطح معناداری	F	متغیرها
۰/۵۲۲	۰/۴۱۱	قدردانی
۰/۵۱	۲/۶۶	قدردانی، نارضایتی، تقدیر
۰/۱۰۰	۲/۷۱	احساس وفور و فراوانی
۰/۰۰۴	۸/۵۸	تقدیر ساده
۰/۶۹۹	۰/۱۵۰	تقدیر از دیگران
۰/۲۸۳	۱/۱۵۴	رفتارهای جامعه‌گرا
		ابعاد شخصیت
۰/۵۰۳	۰/۴۴۹	روان رنجورخویی
۰/۱۹۴	۱/۶۹۷	برون‌گرایی
۰/۹۳۳	۰/۰۰۷	انعطاف‌پذیری
۰/۵۴۴	۰/۳۶۹	توافق‌پذیری
۰/۰۵۶	۳/۶۷۱	باوجدان بودن

جدول ۵: نتایج به‌دست آمده از آزمون T مستقل برای مقایسه میانگین نمرات قدردانی، رفتارهای جامعه‌گرا و ابعاد شخصیت در میان دانشجویان دختر و پسران

متغیرها	شاخص‌های آماری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	مقدار T	درجه آزادی	احتمال T (سطح معناداری)
قدردانی	دختر	۲۲۲	۲۲/۶۴	۳/۹۷	۰/۲۷	۲/۱۸	۳۸۲	۰/۰۳۰
	پسر	۱۶۲	۲۱/۷۱	۴/۳۵	۰/۳۴			
قدردانی، نارضایتی، تقدیر	دختر	۲۲۲	۲۷/۱۸	۶/۰۵	۰/۴۱	۲/۸۳	۳۸۲	۰/۰۰۵
	پسر	۱۶۲	۲۶/۲۴	۵/۵۶	۰/۴۴			
احساس وفور و فراوانی	دختر	۲۲۲	۴۳/۱۳	۸/۱۳	۰/۵۵	۱/۵۶	۳۸۲	۰/۱۱۹
	پسر	۱۶۲	۳۸/۴۰	۸/۷۸	۰/۶۹			
تقدیر ساده	دختر	۲۲۲	۳۱/۳۰	۹/۴۰	۰/۶۳	۵/۴۴	۳۸۲	۰/۰۰۰
	پسر	۱۶۲	۳۱/۷۴	۷/۶۳	۰/۶۰			
تقدیر از دیگران	دختر	۲۲۲	۱۰۱/۶۱	۱۸/۳۵	۱/۲۳	-۰/۵۰	۳۸۲	۰/۶۲
	پسر	۱۶۲	۹۶/۳۸	۱۷/۲۲	۱/۳۵			
رفتارهای جامعه‌گرا	دختر	۲۲۲	۵۰/۸۰	۱۱/۰۷	۰/۷۴	۰/۲۸۱	۳۸۲	۰/۷۷۹
	پسر	۱۶۲	۵۰/۴۹	۱۰/۰۷	۰/۸۰			
ابعاد شخصیت روان	دختر	۲۲۲	۲۲/۳۳	۷/۷۱	۰/۵۲	-۱/۵۶	۳۸۲	۰/۱۲۱
	پسر	۱۶۲	۳۳/۵۴	۷/۲۷	۰/۵۷			
رنجورخویی	دختر	۲۲۲	۲۰/۷۶	۶/۹۳	۰/۴۷	-۲/۰۱	۳۸۲	۰/۰۴۵
	پسر	۱۶۲	۲۲/۲۶	۷/۶۰	۰/۶۰			
برون‌گرایی	دختر	۲۲۲	۲۰/۲۳	۶/۳۶	۰/۴۳	-۳/۲۲	۳۸۲	۰/۰۰۱
	پسر	۱۶۲	۲۲/۳۶	۶/۴۷	۰/۵۱			
انعطاف‌پذیری	دختر	۲۲۲	۲۱/۰۸	۵/۳۳	۰/۳۶	-۳/۴۲	۳۸۲	۰/۰۰۱
	پسر	۱۶۲	۲۲/۹۶	۵/۳۱	۰/۴۲			
توافق‌پذیری	دختر	۲۲۲	۱۹/۳۴	۸/۱۲	۰/۵۴	-۲/۷۳	۳۸۲	۰/۰۰۶
	پسر	۱۶۲	۲۱/۷۷	۹/۲۰	۰/۷۲			

برای مقایسه دانشجویان دختر و پسر در متغیر قدردانی و خرده مقیاس‌های آن از آزمون تی برای گروه‌های مستقل استفاده شد. بر اساس نتایج مندرج در جدول در عامل قدردانی، نمره کل قدردانی، تنفر و تقدیر، تقدیر ساده چون مقدار t محاسبه شده به ترتیب برابر با (۲/۱۸)

(۲/۸۳) (۵/۴۴) از مقدار t جدول بزرگ‌تر است. بنابراین، میان دختران و پسران در عامل قدردانی تفاوت معنادار وجود دارد.

بنابراین، در رفتارهای جامعه‌گرا، به دلیل بزرگ‌تر بودن t محاسبه شده (۵/۲۸) از مقدار t جدول میان دانشجویان دختر و پسر در این عامل تفاوت معنادار وجود دارد. درباره ابعاد شخصیت، چون مقدار t محاسبه شده بعد برون‌گرایی ($t=-۲/۵۱$) انعطاف‌پذیری ($t=-۳/۲۲$) توافق‌پذیری ($t=-۳/۴۲$) و با وجدان بودن ($t=-۲/۷۳$) از مقدار t جدول بزرگ‌تر است بنابراین، میان دانشجویان دختر و پسر در این ابعاد تفاوت معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در فرضیه ۱ پیش‌بینی شده بود که بین قدردانی و رفتارهای جامعه‌گرا و ویژگی‌های شخصیتی رابطه وجود دارد. یافته‌های پژوهش در جدول ۳ نشان داد که ابعاد قدردانی شامل نمره کل در قدردانی، قدردانی، تنفر، تقدیر، احساس وفور و فراوانی و تقدیر از دیگران با رفتارهای جامعه‌گرا رابطه مثبت دارد.

تریورس (۱۹۷۱) بر اساس مطالعات خود اعلام کرد که قدردانی یکی از مکانیزم‌های زیربنایی و انگیزشی در نوع دوستی متقابل است. هیجان حاصل از قدردانی ارزش انگیزشی دارد و باعث می‌شود افراد قدردان برای انجام دادن اعمال سودمند اجتماعی برانگیخته شوند. همسو با نتایج این پژوهش، مطالعه گراهام (۱۹۸۸)، پترسون و استوارت (۱۹۹۶) بیان می‌کنند افرادی که در نتیجه دریافت منفعت، قدردان شده بودند، به رفتار کردن به شیوه سودمند اجتماعی در تعاملات بعدی خود نسبت به فردی که به آن‌ها منفعت رسانده و سایر افراد که منفعت نرسانده‌اند، تمایل بیشتری دارند. پژوهش گالوپ (۱۹۹۸) نشان داد که استفاده از روش‌های قدردانی از فرد خیر باعث می‌شود که او در آینده بیشتر چنین اعمال سودمند اجتماعی انجام دهند (آمونز و مک‌کولوف، ۲۰۰۳).

پژوهش تجربی مک‌کولوف و همکاران (۲۰۰۱) نشان داده است که قدردانی باعث رفتار سودمند اجتماعی می‌شود و کارکرد خود را به صورت یک انگیزه اخلاقی بروز می‌دهد. قدردانی، اغلب باعث ایجاد یک رابطه متقابل شده که این به سوق دادن افراد به پاسخ دادن به

صورت سودمند اجتماعی به فرد خیر (بانی خیر) منجر می‌شود و قدردانی می‌تواند باعث شود که فرد ذینفع نه تنها به فرد خیر متقابلاً رفتار سودمند اجتماعی ابراز کند، بلکه چنین رفتاری را نسبت به سایر افراد نیز داشته باشد (بارتلت و دستنو، ۲۰۰۶؛ تسانگ، ۲۰۰۶ و تسانگ، ۲۰۰۷). افراد قدردان احتمالاً برای ابراز قدردانی خود رفتار سودمند اجتماعی ابراز می‌کنند و با گذشت زمان این رفتارهای سودمند اجتماعی می‌توانند افزایش و ارتقای روابط اجتماعی فرد را باعث شوند (آمونز و شلتون، ۲۰۰۲؛ هارفم، ۲۰۰۴؛ کمتز، ۲۰۰۴). به علاوه، قدردانی به ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی کمک می‌کند (دون و شوایتزر^۱، ۲۰۰۵؛ فروه و همکاران، ۲۰۰۹).

قدردانی رفتارهای جامعه‌گرا را افزایش می‌دهد (بارتلت و دستنو^۲، ۲۰۰۶؛ فروه و یوروکویز، ۲۰۰۷؛ تسانگ، ۲۰۰۶) (فروه و همکاران، ۲۰۰۹). بارتلت و دستنو (۲۰۰۶) نشان دادند که قدردانی تلاش‌های کمک کردن بانی خیر را افزایش می‌دهد (فروه و همکاران، ۲۰۰۹). تأثیرات قدردانی به‌عنوان یک تقویت‌کننده اخلاقی با نظریه‌های مطرح شده قبلی مثل نظریه اسمیت (۱۹۷۶-۱۷۹۰) و نظریه‌های قرن بیستم مثل نظریه زیمل (۱۹۵۰) مغایرتی ندارد. این نظریه‌ها تجربه و ابراز قدردانی را برای ایجاد و حفظ روابط انسانی مثبت، ضروری می‌دانند. حتی اگر این تلاش‌ها پر هزینه باشد و قدردانی واسطه‌ای برای رفتار فرااجتماعی است. نظریه اسمیت (۱۷۹۰/۱۹۶۷) بیان می‌دارد که برخی افراد به‌ویژه آن‌هایی که آمادگی استعداد و گرایش فطری شخصیتی برای انجام دادن رفتارهای سودمند اجتماعی دارند (فروه و همکاران، ۲۰۰۹). درباره تبیین رابطه مثبت بین قدردانی و رفتارهای جامعه‌گرا می‌توان از مدل هیجان‌های مثبت فردریکسون (۲۰۰۰) استفاده کرد. این مدل بیان می‌دارد که قدردانی به‌طور معمول از یک ظرفیت (والانس) هیجانی مثبت بهره‌مند است. بر اساس این مدل، قدردانی باعث ایجاد و القای یک رابطه متقابل بر رفتارهای سودمند اجتماعی (سود رساندن به دیگران) می‌شود.

همچنین از بین ابعاد شخصیت، روان رنجورخویی، به‌طور مثبت با قدردانی رابطه دارد. افرادی که در عامل روان رنجورخویی نمره بالایی دارند، بی‌ثباتی هیجانی و ناراحتی‌های روانی و جسمانی زیادی در آن‌ها مشاهده می‌شود (سناوت، ۱۳۸۱). آن‌ها دارای صفاتی مثل اضطراب، پرخاشگری، تکانش‌وری، عواطف منفی، انتقام‌جویی و خودپسندی هستند و وقایع

-
1. Bartlett & Desteno
 2. Dunn & Schweitzer

استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند. افراد روان‌رنجور سعی می‌کنند با قدردانی کردن از دیگران از اضطراب و عواطف منفی دوری کنند.

عامل انعطاف‌پذیری با نمره‌ی کل در پرسشنامه‌ی قدردانی، نارضایتی، تقدیر رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. هر چقدر عامل انعطاف‌پذیری در شخص بالاتر باشد کیفیت روابط بین فردی او نیز بهتر خواهد بود. اشخاص منعطف هم درباره‌ی دنیای درونی و هم درباره‌ی دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آن‌ها از لحاظ تجربه غنی است (مک‌کری، ۱۹۸۷). افرادی که در این عامل نمره‌های بالایی به دست می‌آورند، احساسات درونی و موقعیت‌های هیجانی مختلف را بیشتر و عمیق‌تر تجربه می‌کنند و کسانی که نمره‌ی پایینی در این مقیاس می‌گیرند، افت هیجانی داشته و تغییرات را به سختی می‌پذیرند و ترجیح می‌دهند که در وضعیت ثابت بمانند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). پس با توجه به ویژگی‌هایی چون انعطاف در تجارب، تخیل و ابتکار، پذیرش ارزش‌ها و عقاید جدید، درک عمیق از موقعیت‌های هیجانی، احساساتی بودن، داشتن روابط بین فردی بهتر و پذیرفتن تغییرات، انتظار می‌رود که آن‌ها با محیط خود سازگاری بهتری داشته و از مبادرت به رفتارهای ضد اجتماعی دوری کنند. گلدبرگ و سوسیر، (۱۹۹۸) مشاهده کردند که ابعاد قدردانی همبستگی منفی با انعطاف‌پذیری داشت. در این پژوهش نیز بعد انعطاف‌پذیری با بعضی از ابعاد قدردانی رابطه‌ی منفی داشت. تبیین این امر دشوار است (مک کولوف و همکاران، ۲۰۰۱). با این حال ارتباط این دو متغیر می‌تواند بیان‌کننده‌ی این نکته باشد که قدردانی می‌تواند موضوع ارزشمندی برای مطالعات بعدی باشد، مسلماً بهتر است ابتدا جنبه‌های انعطاف‌پذیری تعیین شوند تا به این وسیله بتوان مشخص کرد که قدردانی با کدامیک قوی‌ترین رابطه را دارد.

برون‌گرایی، توافق‌پذیری، با وجدان بودن با قدردانی رابطه‌ی منفی دارند. برون‌گراها اغلب به‌عنوان اشخاص خونسردی توصیف شده‌اند که نمی‌توانند احساسات خود را به اندازه درون‌گراها کنترل کنند و گاهی اوقات به رفتارهای خودسرانه و پرخاشگرانه، هیجان‌خواهی، رفتارهای خودنمایانه و جرات‌آمیز تمایل دارند و ریسک‌پذیری آن‌ها بیشتر از دیگران است (کوپر و پروین، ۱۹۹۸). با وجدان بودن با ویژگی‌هایی مانند نظم و ترتیب، محتاط بودن، وظیفه‌شناسی، تمایل به پیشرفت و خویش‌داری همراه است، ابراز قدردانی در آن‌ها کمتر است. افرادی که در عامل توافق‌پذیری نمره‌های بالاتری می‌گیرند، ویژگی‌هایی چون همکاری،

تواضع، نوع دوستی و دل‌رحمی در آن‌ها بیشتر دیده می‌شود. حدس زده می‌شود که این رابطه منفی به این دلیل است که، قدردان بودن به معنای اجازه یافتن فرد در قرار گرفتن در جایگاه یک فردگیرنده و آگاهی فرد گیرنده از وابستگی خود به دیگران منفی است. قدردانی از یک جنبه الزام‌آور بهره‌مند است. افراد گیرنده به‌طور منفی ملزم به جبران لطفی هستند که دیگران در حق آن‌ها داشته‌اند. چنین الزامی ممکن است برای اغلب افراد یک احساس روان‌شناختی ناخوشایند منفی ایجاد کند. به این دلیل، چنین الزامی به قدردان بودن و جبران لطف در افراد احساس‌های منفی شدیدی نسبت به فردی که به آن‌ها خیر و منفعت رسانده شود، چنین احساس منفی می‌تواند تا حد احساس تنفر شدید باشد. مردمی که سپاس‌گزاری بالایی دارند ممکن است دارای جهان‌بینی باشند که همه چیز و حتی خود زندگی هدیه است. این سطح از قدردانی احتمالاً باعث می‌شود تا افراد از تشکر کردن از دیگران برای چیزهای خوب زندگی خودشان که از طرف دیگران اعطا شده اجتناب کنند.

در فرضیه دوم پیش‌بینی شده بود که تفاوت‌های جنسیتی در قدردانی و ابراز قدردانی و بهره‌مندی از سودمندی‌های آن وجود دارد. یافته‌های پژوهش در جدول ۵ نشان داد که بین قدردانی و جنسیت رابطه مثبت وجود دارد. در عامل قدردانی و ابعاد آن (نمره کل قدردانی، قدردانی، نارضایتی، تقدیر و خرده‌مقیاس تقدیر ساده) میان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد.

همچنین یافته‌های جانبی نشان می‌دهد که در رفتارهای جامعه‌گرا میان دانشجویان دختر و پسر در این عامل تفاوت معنادار وجود دارد. همان‌گونه که پژوهش‌ها نشان داده است، گرچه قدردانی با پیامدهای روان‌شناختی مثبت در ارتباط است، لیکن می‌تواند هیجانی باشد که مردان از تجربه و ابراز آن، به دلیل ارتباط آن با هیجان‌های منفی و شناخت‌ها، بخواهند اجتناب کنند (نیتو، ۲۰۰۷). مردها تجربه یا ابراز قدردانی را دال بر ضعف تلقی کرده و در نتیجه آن را عامل تهدید کننده مردانگی خود و عاملی بنگرند که به موقعیت اجتماعی آن‌ها آسیب می‌رساند، (برودی، ۱۹۹۷، ۱۹۹۷) (سولومون، ۱۹۹۵) (وتکینز و همکاران، ۲۰۰۶) (لووانت، کوپکی، ۱۹۹۵) (فروه و همکاران، ۲۰۰۹).

گوردون و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که زنان در مقایسه با مردان به‌نظر می‌رسد بیشتر به تجربه و ابراز قدردانی تمایل دارند و از قدردانی در مقایسه با مردان منفعت و بهره بیشتری

می‌برند. همچنین کشدن و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که زنان در مقایسه با مردان ابراز قدردانی را جالب‌تر دانستند. در مجموع، زنان احتمالاً در مقایسه با مردان بهتر قادر به تجربه و ابراز قدردانی و بهره‌مندی از سودمندی‌های آن هستند (کشدن و همکاران، ۲۰۰۹).

دربارهٔ ابعاد شخصیت، در بعد برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و با وجدان بودن میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

تاریخچهٔ طولانی و با قدمتی از عقاید و نظرات دربارهٔ قدردانی^۱ وجود دارد. در فرهنگ‌های مختلف و برهه‌های زمانی گوناگون، تجارب و نمودهای قدردانی اجزاء مطلوب شخصیت آدمی و زندگی اجتماعی او بوده‌اند. قدردانی، تشکر و سپاس یک گرایش و صفت بسیار ارزشمند در ادیان یهودیت، مسیحیت، اسلام، بودا و هندو است. بنابراین، اتفاق نظر و اجماع میان نویسندگان مذهبی و اخلاقی دنیا این است که مردم از نظر اخلاقی به احساس قدردانی و ابراز قدردانی و سپاس در پاسخ به موهبت‌ها و منفعت‌های دریافت شده ملزم هستند. جدای از چنین توصیه و سفارش الزام اخلاقی گسترده به قدردان بودن، تأثیر قدردانی بر رفتارهای سودمند اجتماعی یا جامعه‌گرا و رابطهٔ آن با ویژگی‌های شخصیتی در فرهنگ ما نیاز به پژوهش و تأیید تجربی بیشتر دارد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش که در تهران انجام شد، در پژوهش‌های آتی مطالعهٔ رابطهٔ متغیرهای دیگر، که در این پژوهش مجال بررسی آن‌ها نبود مانند بهزیستی روانی با قدردانی، ویژگی‌های شخصیت و رفتارهای جامعه‌گرا ضروری است. همچنین اجرای چنین پژوهشی در فرهنگ‌ها و شهرهای گوناگون و با نمونه‌های بزرگ‌تر توصیه می‌شود.

منابع

- اقا بابایی، ناصر (۱۳۸۹). سنجش قدردانی و طلاب بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه قدردانی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال، ۲، شماره، ۶.
- سختوت، جعفر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران، دانشگاه پیام نور.
- گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز، دانیال.
- Caprara, G. V; Steca, P; Zelli, A& Capanna, C. (2005).** A New Scale for Measuring Adults' Prosocialness. *European Journal of Psychological Assessment*. Vol. 21, No. 2, 77-89.
- Cooper, C.L& Pervin, L.A. (1998).** Personality, Critical Concept in Psychology. First published, Vol. II. London and New York: Rutledge.
- Costa, P.T & McCrea, R.R. (1985).** The NEO personality Inventory. Manual. Psychological Assessment Resources.
- Emmons, A.R & McCullough, M. E. (2003).** Counting Blessings Versus Burdens: An Experimental Investigation of Gratitude and Subjective Well-Being in Daily Life. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 84, No. 2, 377-389.
- Froh, J.J; Yurkewicz, C & Kashdan, T.B. (2009).** Gratitude and subjective well-being in early adolescence: Examining gender differences. *Journal of Adolescence* 32, 633-650.
- Fredrickson, B. L; Mancuso, R. A; Branigan, C & Tugade, M. M.(2000).** The undoing effect of positive emotions. *Motivation and Emotion*, 24, 237-258.
- Fredrickson, B. L. (2001).** The role of positive emotions in positive psychology: the broaden-and-build theory of positive emotions. *American Psychologist*, 56, 218-226.
- Fredrickson, B. L. (2004).** Gratitude, like other positive emotions, broadens and builds. In R. A. Emmons, & M. E. McCullough (Eds.), *The psychology of gratitude* (pp. 145-166). New York: Oxford University Press.
- Kashdan, T.B; Mishra, A; Breen, W.E& Froh, J.J. (2009).** *Gender Differences in Gratitude: Examining Appraisals, Narratives, the Willingness to Express Emotions, and Changes in Psychological Needs.* *Journal of Personality*, Vol. 77, 3, 691-730.
- Keyes, C. L. M; (2007).** Promoting and protecting mental health as flourishing: A complementary strategy for improving national mental health. *American Psychologist*, 62, 95e108.
- Kubacka, K.E; Finkenauer, C; Rusbult, C.E& Keijsers, L. (2011).** Maintaining close relationships: Gratitude as a motivator and a detector of maintenance behavior. *Personality and social psychology Bulletin*, Vol. 37.PP. 1362-1375.
- Lazarus, R. & Lazarus, B. (1994).** *Passion and reason.* New York: Oxford University Press.

- Mc Crae, R.R. (1987).** Creativity, divergent thinking, and openness to experience. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 1258-1265.
- McCullough, M. E; Kilpatrick, S. D; Emmons, R. A & Larson, D. B. (2001).** Is gratitude a moral affect? *Psychological Bulletin*, 127, 249-266.
- McCullough, M. E; Emmons, R. A & Tsang, J. (2002).** The grateful disposition: A conceptual and empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 112-127.
- Neto, F. (2007).** Forgiveness, personality and gratitude. *Personality and Individual Differences*. Vol. 43, Issue 8, Pages 2313–2323.
- Ryan, M. J. (1999).** *Attitudes of gratitude: How to give and receive joy every day of your life*. Berkeley, CA: Conari Press.
- Sheldon, K. M & King, L. (2001).** Why positive psychology is necessary. *American Psychologist*, 56, 216-217.
- Sommers, S. & Kosmitzki, C. (1988).** Emotion and social context: An American-German comparison. *British Journal of social psychology*, 27, 35-49.
- Thomas, M & Watkins, P. (2003, April).** *Measuring the grateful trait: Development of the revised GRAT*. Poster session presented at the Annual Convention of the Western Psychological Association, Vancouver, British Columbia, Canada.
- Trivers, R. L. (1971).** The evolution of reciprocal altruism. *Quarterly Review of Biology*, 46, 35–57.
- Watkins, P. C; Scheer, J; Ovnicek, M & Kolts, R. (2006).** The debt of gratitude: Dissociating gratitude and indebtedness. *Cognition & Emotion*, 20, 217e241.

